

## The 119th US Congress' Strategy Towards Iran Based on the Theory of Coercive Diplomacy

**Mostafa Delavarpour Aghdam** Corresponding author, Assistant Professor of Political Science of Majlis Research Center. Tehran, Iran. Email: [modelavar1404@gmail.com](mailto:modelavar1404@gmail.com)

### Article Info

Article Type:

Reserch Article

Keywords:

Coercive Diplomacy Theory,  
119th US Congress,  
Islamic Republic of Iran,  
Maximum Pressure,  
Political-Compromise.

### ABSTRACT

One of the fundamental issues of the Islamic Republic's foreign policy is to explain the policies of the US Congress towards Iran and to adopt appropriate initiatives to realize the desired hypothesis. Two hypotheses are conceivable regarding the US Congress' strategy. The main hypothesis is based on the framework of the theory of coercive diplomacy and considers maximum pressure and escalating political-economic costs, along with the threat of military action, as the driving force for political compromise and changes in Iran's regional, nuclear, and missile policies. Military threats, sanctions, psychological operations, and consultations with the European Union Troika to activate the trigger mechanism are the four levers of pressure used by the US Congress to influence and regulate diplomatic processes with Iran. Some analysts also believe in the rival hypothesis and consider the continuation of the maximum pressure campaign, because its pressures are transferred to the vulnerable classes, as a factor of internal cohesion and maximum resistance against the United States and an increase in the likelihood of Iran's aggressive behavior in all three areas of regional policies, uranium enrichment, and missile deterrence. The present study is strategic-applied in terms of its purpose and descriptive-explanatory in terms of its nature and method. The innovation of this study is that by analyzing the content of the documents and evidence of the behavior of Congress, it examines the possibility of realizing each of the main and rival hypotheses and proposes solutions to confront the threats and maximize the benefits of the opportunities.

Cite this Article: Delavarpour Aghdam, M. (2025). The 119th US Congress' Strategy Towards Iran Based on the Theory of Coercive Diplomacy. *International Relations Researches*, 15(1), 89-110. doi: 10.22034/irr.2025.517880.2697



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI:10.22034/irr.2025.517880.2697



## راهبرد صدونوزدهمین کنگره آمریکا در قبال ایران بر اساس نظریه دیپلماسی اجبار

مصطفی دلاورپور اقدم نویسنده مسئول، استادیار گروه مطالعات دیپلماسی پارلمانی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قوه مقننه، تهران، ایران رایانامه: [modelavar1404@gmail.com](mailto:modelavar1404@gmail.com)

چکیده	درباره مقاله
<p>یکی از نظام مسائل اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تبیین سیاست‌های کنگره آمریکا در قبال ایران و اتخاذ ابتکارات مناسب برای تحقق فرضیه مطلوب است. دو فرضیه در قبال راهبرد کنگره آمریکا متصور است. فرضیه اصلی بر چارچوب مفروضه‌های نظریه دیپلماسی اجبار بنا شده است و هوشمندسازی فشار حداکثری و تشدید هزینه‌های سیاسی — اقتصادی در کنار تهدید به اقدام نظامی را، موتور پیشران مصالحه سیاسی و تغییر سیاست‌های منطقه‌ای، هسته‌ای و موشکی ایران قلمداد می‌کند. تهدید نظامی، تحریم، عملیات روانی و رایزنی با تروئیکای اروپایی برای فعال سازی مکانیسم ماشه، چهار اهرم فشار کنگره آمریکا برای اثرگذاری و تنظیم روندهای دیپلماتیک با ایران است. برخی تحلیل‌گران نیز به فرضیه رقیب باور دارند و تداوم کارزار فشار حداکثری را به دلیل اینکه فشارهای آن به طبقات متوسط و آسیب پذیر منتقل می‌شود را عامل انسجام داخلی و مقاومت حداکثری در برابر آمریکا و بالا رفتن احتمال رفتار تهاجمی ایران در هر سه بخش سیاست‌های منطقه‌ای، غنی سازی اورانیوم و بازدارندگی موشکی قلمداد می‌کنند. پژوهش حاضر از لحاظ هدف راهبردی — کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش، توصیفی — تبیینی است. نوآوری این تحقیق این است که با تحلیل محتوایی مستندات و شواهد رفتار کنگره در هر دو بخش فرضیه اصلی و رقیب، احتمال تحقق هر یک از فرضیه‌های را بررسی نموده و راهکارهایی را جهت مقابله با تهدیدات و انتفاع حداکثری از فرصت‌ها پیشنهاد نموده است.</p>	<p><b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی</p> <p><b>کلیدواژه‌ها:</b> نظریه دیپلماسی اجبار، کنگره صدونوزدهم، جمهوری اسلامی ایران، فشار حداکثری، مصالحه سیاسی.</p> <p><b>تاریخچه مقاله</b> تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۳۱</p>

**استناد به این مقاله:** دلاورپور اقدم، مصطفی. (۱۴۰۴). راهبرد صدونوزدهمین کنگره آمریکا در قبال ایران بر اساس نظریه دیپلماسی اجبار.

پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۱۵(۱)، ۸۹-۱۱۰. doi: 10.22034/irr.2025.517880.2697

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین‌الملل





در کنگره صدونوزدهم (۲۰۲۶ - ۲۰۲۵)، اکثریت کرسی های مجلس نمایندگان و سنا در اختیار جمهوری خواهان است و به دلیل همسویی حزبی با دولت ترامپ، نوعی همسویی مواضع بین کنگره و کاخ سفید مشهود است. کنگره آمریکا به دلیل برخورداری از ظرفیت های تقنینی، نظارتی و دیپلماسی پارلمانی، از مراجع تأثیرگذار بر سیاست خارجی کلان آمریکا محسوب می شود. در پژوهش حاضر، دیپلماسی اجبار کنگره صدونوزدهم (۲۰۲۶ - ۲۰۲۵) متغیر مستقل و تأثیر آن بر راهبرد کنگره آمریکا در قبال ایران، متغیر وابسته است. تکثر و پیچیدگی ابزار و روش های دیپلماسی اجبار باعث پیدایش یک مسأله اساسی پیرامون عناصر تأثیرگذار بر سیاست های آتی کنگره آمریکا در قبال ایران شده است. به نظر می رسد کارزار فشار حداکثری مجلس نمایندگان و سنا، بخشی از راهبرد دیپلماسی اجبار آمریکا برای تأثیرگذاری بر مذاکرات و تغییر رفتار هسته ای، موشکی و منطقه ای ایران با اهرم های غیرنظامی است. از نگاه این طیف از تحلیل گران، تحریم، جنگ روایت ها و عملیات روانی، سه اهرم تنظیم گر سیاست های ایران در حوزه نظم نوین منطقه ای، چرخه غنی سازی سوخت هسته ای و تولید موشک های بالستیک قاره پیما است و استمرار کارزار فشار حداکثری، به تغییر سیاست های ایران در هر سه مورد فوق الذکر منجر خواهد شد، بدون آن که آمریکا با هزینه های اقدام نظامی مواجه شود. استدلال حامیان فرضیه رقیب، استناد به شواهد انعقاد توافق هسته ای در سال ۲۰۱۵ میلادی است. از منظر آنان، موافقت ایران با برجام و کاهش غنی سازی اورانیوم و توقف بازفرآوری پلوتونیوم، مولود فشارهای هوشمند و متراکم اقتصادی ناشی از تصویب چندین قوانین جامع تحریمی در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما بود، به طوری که هزینه های تحریم از مقاومت در برابر غرب افزایش یافته بود. از نظر این طیف از تحلیل گران، قطعنامه های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل که در ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد به تصویب رسیدند نیز، در مصالحه هسته ای برجام تأثیرگذار بودند، به همین دلیل استفاده از اهرم تنظیم گر مکانیسم ماشه نیز، یکی از مهم ترین ریزنی های کنگره صدونوزدهم با همتایان پارلمانی خود در تروئیکای اتحادیه اروپا، برای تغییر رفتار ایران از طریق بالا بردن هزینه های سیاسی و اقتصادی اعمالی به ایران است. این گروه مدعی اند فشار هوشمند حداکثری دولت و کنگره آمریکا، تاب آوری اقتصاد و جامعه ایران در برابر کارزار فشار حداکثری را کاهش داده و شرایط پذیرش شروط آمریکا در مذاکرات را تسهیل می نماید. در برابر فرضیه اصلی، یک فرضیه



رقیب نیز پیرامون راهبرد کنگره صدونوزدهم و تأثیر آن بر ایران و محیط پیرامونی آن بروز و ظهور دارد و برخی تحلیل گران استدلال می کنند که استمرار فشار حداکثری بر ایران، می تواند نتایج معکوس به همراه داشته باشد و به سیاست های سخت گیرانه جمهوری اسلامی ایران برای افزایش غنی سازی اورانیوم، قطع همکاری های پادمانی با آژانس و تغییر دکترین دفاعی ایران منجر شود و چرخه ناامنی و التهابات امنیتی در غرب آسیا را افزایش و احتمال مصالحه را به شدت کاهش دهد. از منظر این طیف از تحلیل گران، ایران می تواند به مرور خود را با فشار تحریم ها تطبیق می دهد و استمرار فشار حداکثری به دلیل تأثیرات منفی بر درآمد، معیشت و سلامت اقشار طبقه متوسط و آسیب پذیر، می تواند قدرت نرم سیاست خارجی آمریکا را کاهش و انسجام داخلی در برابر دیپلماسی اجبار آمریکا را افزایش دهد. مهمترین شواهد و استدلال برای مبنا بودن نظریه دیپلماسی اجبار در تحلیل سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران عبارتند از:

- تصویب قوانین جامع تحریمی علیه جمهوری اسلامی ایران

- تهدید به اقدام نظامی

- حمایت از مذاکرات جامع همزمان با تهدید، تحریم و تحریف روایت ها.

مهمترین سؤال اصلی تحقیق این است که کنگره آمریکا برای تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران از چه سازوکارهایی استفاده می کند. در این میان بررسی محتوایی لوایح و قطعنامه های پیشنهادی مرتبط با ایران، اظهارات قانونگذاران ارشد کنگره در جلسات استماع و رمزگشایی مواضع آنان در اندیشکده ها و لابی های پارلمانی همچون ایپک، می تواند مسیر دیپلماسی پارلمانی آمریکا را ترسیم نماید و مشخص کند سیاست های آمریکا به کدام یک از فرضیه ها نزدیک تر است. نوآوری تحقیق موجود این است که در قالب مفروضه های نظریه علمی دیپلماسی اجبار، هر دو فرضیه اصلی و رقیب را بررسی و در پایان با ارائه برخی ابتکارات دیپلماتیک به سمت تحقق فرضیه مطلوب گام برمی دارد.

### ۱. چارچوب مفهومی

قبل از ورود به مبحث بررسی راهبرد غالب کنگره آمریکا در قبال ایران، لازم است مخاطبان با برخی اصطلاحات زیر آشنا شوند:

#### • دیپلماسی

به هنر ارتباط و اثرگذاری بر سایر کشورها با استفاده از روش های غیرنظامی، دیپلماسی می گویند (ظریف، ۱۳۹۱). دیپلماسی، هنر تأمین منافع ملی و رفع اختلافات، بدون کاربست زور و کاربست



هوشمندانانه فنون مذاکره در زمان و شیوه مناسب است. از ویژگی های ذاتی دیپلماسی، تکثرگرایی و چند وجهی بودن آن است. دیپلماسی پارلمانی تأثیرگذاری بر سیاست خارجی از طریق ظرفیت های تقنینی، نظارتی و پتانسیل های دیپلماتیک گروه های دوستی و هیأت های دیپلماتیک پارلمانی است که برای نخستین بار توسط «دین راسک»<sup>۱</sup> مطرح شد (رحمت حاجی مینه، ۱۳۹۹).

- دیپلماسی پارلمانی ایالات متحده آمریکا

دیپلماسی پارلمانی تأثیرگذاری بر سیاست خارجی از طریق ظرفیت های تقنینی، نظارتی و پتانسیل های دیپلماتیک گروه های دوستی و هیأت های دیپلماتیک پارلمانی است. نمایندگان کنگره آمریکا از دو اهرم تصویب لایحه، صدور بیانیه و نامه نگاری به رئیس جمهور برای تأثیرگذاری بر سیاست خارجی آمریکا استفاده می کنند. ساختار دیپلماسی پارلمانی آمریکا، کمیته محور است و در آن کمیته های دائمی، نقش مهمی را در جهت گیری سیاست های کنگره آمریکا علیه کشورمان ایفا می کنند. یکی از کارکردهای کمیته های کنگره، برگزاری جلسات استماع برای بررسی اولویت ها و نظام مسائل اساسی سیاست خارجی است. جلسات استماع از آن جهت برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت راهبردی است که برخی مواقع بنیان برخی قوانین تحریمی علیه کشورمان، در این جلسات پایه گذاری می شود.

- نظریه مهار

«جرج کنان»<sup>۲</sup> نظریه مهار را در دوره جنگ سرد برای مقابله با نظام کمونیست شوروی از منظر ژئوراهبردی و ایدئولوژیک مطرح نمود. مهار، راهبردی جایگزین برای جلوگیری از نفوذ سیاسی، تضعیف اقتصادی و بالا بردن هزینه های اقدام نظامی شوروی علیه جبهه غرب بود (U.S. Department of State, 2025). در قبال جمهوری اسلامی ایران، استفاده از سه ابزار «تهدید، تحریم و مهار»<sup>۳</sup> به عنوان مهار سیاست های ایران در چهار لایه گفتگوهای انتقادی، مجازات بدون تعامل، تعامل ستیزه جویانه و تغییر بنیادین مشهود بوده است (اسلامی، ۱۳۹۵: ۷۱ - ۳۷). رابرت جرویس، استفان والت و کنت والتز در زمره واقع گرایانی هستند که حکومت ایران را بازیگری محتاط ارزیابی می کنند و معتقدند در درجه اول نامنی شدیدی که ایران در منطقه احساس می کند، سیاست خارجی این کشور را هدایت می کند. این گروه از واقع گرایان از رویکرد مهار جرج کنان حمایت می کنند، ولی در عین حال انعطاف پذیرند

<sup>1</sup> Dean Rusk

<sup>2</sup> George Kennan

<sup>3</sup> Threat, Sanction and Containment



و بر تعامل با ایران برای تأمین منافع متقابل تأکید دارند. این طیف از نظریه پردازان از برجام حمایت می کنند ولی آن را توافقی ناقص می دانند (رحیمی، ۱۴۰۳: ۲۳۹).

- تحریم

از نگاه «ریچارد نفیو»، تحریم ابزار سیاست خارجی برای پیشگیری از جنگ است (نفیو، ۱۳۹۷: ۶) و در صورتیکه هوشمند، فراگیر و اثربخش باشند، می توانند به اهرم فشاری برای تغییر رفتار کشور هدف منجر شود. در سیاست خارجی آمریکا، تحریم های هوشمند از اهمیت بالایی برخوردارند، به طوری که محتوا و زمان صدور تحریم ها مهندسی می شوند (Franco, 2015: 19). استفاده از ابزار تحریم در سیاست خارجی امریکا به حدی افزایش یافته است که برخی محققان روابط بین الملل از آن با عنوان «اپیدمی تحریم»<sup>۱</sup> یا «جنون تحریم»<sup>۲</sup> نام می برند (Helms, 1999).

- دیپلماسی اجبار

حامیان نظریه دیپلماسی اجبار بر این باورند که دولت ها بازیگرانی عقلانی و به دنبال بیشینه سازی مطلوبیت خود هستند و در چنین شرایطی اگر هزینه آنان افزایش یابد، در رفتار خود تجدید نظر می کنند. به عبارتی دیپلماسی اجبار، راهبردی دیپلماتیک با درجه ای از اجبار محدود است که در مواجهه با تلاش ها و فعالیت های کشور چالشگر نظام هژمونیک به کار گرفته می شود. دیپلماسی اجبار در برابر لیبی موفق ولی در برابر کره شمالی ناموفق بود.

- کارزار فشار حداکثری

«کارزار فشار حداکثری» به عنوان یکی از اضلاع جنگ هیبریدی، به مفهوم استفاده از تمامی اهرم های فشار اقتصادی، سیاسی و تبلیغاتی برای تغییر رفتار کشور هدف است و از کلیدواژه گانی است که در ادبیات سیاسی قانونگذاران و دولتمردان آمریکا مدام در حال تکرار است که از مصادیق آن می توان به امضای فرمان اجرایی فشار حداکثری در چهارم فوریه ۲۰۲۵ میلادی توسط دونالد ترامپ یا بررسی «لایحه فشار حداکثری» در کمیته روابط خارجی صدونوزدهمین مجلس نمایندگان اشاره کرد (براین نایگر، ۱۴۰۲: ۳۴).

<sup>1</sup> Sanction Epidemic

<sup>2</sup> Sanction Frenzy



رفتار کاوی راهبرد کنگره آمریکا در قبال ایران نشانگر چیرگی «نظریه دیپلماسی اجبار»<sup>۱</sup> است. بر اساس نظریه دیپلماسی اجبار، کشورهای جهان می‌کوشند آن دسته از اهداف خود را که به نیروی نظامی نیاز دارند، نه از طریق جنگ بلکه با تهدید تأمین کنند. دیپلماسی اجبار، تلفیق سه گزینه تهدید، تحریم و مذاکره است. رهبران کنگره صدونوزدهم بر این باورند که متراکم شدن هزینه های نظامی، اقتصادی و سیاسی ایران در قالب تهاجم هیبریدی، کشور هدف را به پذیرش مذاکره و ارائه امتیازات بیشتر وادار می نماید. از منظر معماران دیپلماسی اجبار، کشور هدف در محاسبات راهبردی خود لازم است به یقین برسد که تداوم فشارها می تواند به گزینه نظامی منجر شود، به همین دلیل لفاظی های نظامی از مؤلفه های نظریه دیپلماسی اجبار است (دلاورپور اقدم، ۱۳۹۶: ۳۶۹ - ۳۴۳).

استفاده از دیپلماسی اجبار، زمانی است که هزینه های پذیرفتن درخواست دولت اجبارکننده بیش از فواید پایداری در برابر دولت تهدیدکننده باشد (Foreign Affairs Ministry of China, 2023). موفقیت دیپلماسی اجبار به میزان تغییر رفتار کشور هدف بستگی دارد. بر اساس نظریه دیپلماسی اجبار، کشور تهدیدکننده با هزینه های روانی، سیاسی و مالی کمتر از تهاجم نظامی، به اهدافش می رسد (Norton, 2003: 172-175). حامیان نظریه دیپلماسی اجبار بر این باورند که موفقیت استفاده از این نظریه در میدان سیاست و حکمروایی، مستلزم وجود شرایط زیر است:

#### ۱-۱. دادن مهلت حداقلی به کشور هدف

کشور هدف باید متقاعد شود فرصت کمی برای اجرای درخواست دارد، البته دولت اجبارکننده بایستی زمان منطقی برای اجابت درخواست هایش را بدهد (Alexander, 1992: 81). برای مثال تعیین مهلت دو ماهه دونالد ترامپ در نامه ارسالی به جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به توافق جدید هسته ای، نشان می دهد رویکرد دولت ترامپ نیز بر اساس مفروضه های دیپلماسی اجبار پایه گذاری شده است.

#### ۱-۲. اعتبار، تناسب و جامعیت تهدید

دولت هدف باید در محاسبات خود به یقین برسد که تداوم سیاست حفظ وضع موجود به منزله بروز آسیب های جبران ناپذیر به تأسیسات حیاتی و مختل شدن اداره کشور است (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۱). موضوع تناسب تهدید نیز از مفروضه های مهم دیپلماسی اجبار است، به طوری که باید بین وزن امتیازات درخواستی دولت اجبارکننده با وزن امتیازات ارائه شده به بازیگر هدف، «تناسب»<sup>۲</sup> برقرار باشد. برای

<sup>1</sup> Coercive Diplomacy Theory

<sup>2</sup> Proportionality



مثال درخواست تنزیل غنی سازی اورانیوم و همکاری های فرآیدمانی، بدون حذف تحریم ها، به دلیل عدم تناسب و ناترازی بین امتیازات داده شده و دریافتی، می تواند به شکست مذاکرات منجر شود. یکی دیگر از ویژگی های تهدید در دیپلماسی اجبار، تصویب قوانین جامع تحریمی علیه کشور است. تحریم ها در چارچوب دیپلماسی اجبار بر ۵ اصل فلج سازی، تعمیم، هوشمندسازی، جامع نگری و اجماع سازی استوارند.

در اصل هوشمندسازی، شناسایی و تحریم بخش های آسیب پذیر کشور هدف مورد توجه قرار می گیرد. در همین راستا حمایت کنگره از اعمال تحریم های ثانویه و اعمال مجازات سنگین علیه کشورهای خریدار تفت از ایران، بخشی از روند دیپلماسی پارلمانی اجبار آمریکا برای نشان دادن اعتبار تهدید است. برخی تحلیل گران بر این باورند که اقتصاد ایران رانتیر است و دارای وابستگی بالا به درآمدهای خارجی و فروش نفت است، به همین دلیل بستن منقذهای درآمدهای حاصل از فروش نفت ایران می تواند اهرم فشاری برای تأثیرگذاری بر مذاکرات باشد (شیرخانی، ۱۳۹۹: ۲۱۹). رایزنی برخی قانونگذاران ارشد کنگره با همتایان خود در انگلیس، فرانسه و آلمان برای جلب حمایت آنان به سمت فعال سازی مکانیسم ماشه و بازگرداندن تحریم های فصل هفتم منشور ملل متحد، بخشی از راهبرد کنگره آمریکا در راستای اجماع سازی فرآتلاتنیک و بالا بردن سطح تهدید ایران از منطقه ای به جهانی است. از منظر حامیان فرضیه اصلی تحقیق، هر میزان ایالات متحده آمریکا در بین المللی کردن تهدید ایران موفق باشد، احتمال پذیرش ایران با خواسته های آمریکا بیشتر است. از منظر این گروه توجه به اصل تعمیم، و افزایش مصادیق تحریم کالاها و فن آوری های دومانظوره، که دارای کاربری دوگانه غیرنظامی و نظامی هستند نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. از منظر حامیان فرضیه اصلی، رایزنی آمریکا با همسایگان ایران که متحد راهبردی آمریکا هستند می تواند به دلیل تضعیف سیاست های ایران در حوزه منطقه گرای و دیپلماسی کریدور، نقش مهمی را در کاهش دادن قدرت چانه زنی ایران در مذاکرات ایفا نماید. اصل جامعیت و اقدام کنگره برای تصویب قوانین جامع تحریمی، یکی دیگر از ویژگی های تحریم برای موفقیت آمیز بودن دیپلماسی اجبار است. به همین دلیل به نظر می رسد بخشی از راهبرد کنگره صدونوزدهم به سمت تصویب قوانین جامع معطوف شود. قانون سیسادا معروف به «قانون جامع تحریم ها، مسؤولیت پذیری و محروم سازی ایران»، «قانون کاهش تهدیدات ایران و حقوق بشر سوریه» و «قانون تمدید آیسا» مصادیقی از قوانین جامع و اصل جامعیت در راهبرد دیپلماسی پارلمانی اجبار آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران هستند. (دلاورپوراقدم، ۱۳۹۷: ۸).



یکی دیگر از ویژگی های نظریه دیپلماسی پارلمانی اجبار، ایجاد تهدیدات ترکیبی از طریق خلق گفتمان جدید است. برای مثال استفاده از اصطلاحاتی همچون «امنیت پیشگیرانه»، «گروگانگیری نیابتی»، فسادستیزی، شفافیت و مقابله با پولشویی تنها بخش هایی از تحریم های پیش دستانه است. یکی از حوزه هایی که همچنان در صدر سیاست های تحریمی کنگره جدید آمریکا قرار خواهد داشت، فشار حداکثری بر نهادهای پولی ایران با گفتمان شفافیت مالی و مقابله با تأمین مالی جریان های آمریکاستیز در غرب آسیا و آمریکای لاتین است. در همین راستا در برخی لوایح مطروحه کنگره صدونوزدهم از معاونت اطلاعات مالی و تروریسم وزارت خزانه داری به عنوان متولی نظارت بر قوانین تحریمی آمریکا خواسته شده است، تحریم هایی را با موضوع شفاف سازی اقدام های مالی علیه ایران اعمال نماید. از نگاه حامیان دیپلماسی اجبار، سقف تحریم ها با خلق گفتمان های جدید باید حفظ شود تا از آنها به عنوان اهرم چانه زنی در مذاکرات استفاده شود. برای مثال در قسمت ۲۰۲ «لایحه مسئولیت پذیری ایران» تصریح شده است، اشخاص و نهادهایی که پیش بینی می شود در پیشرفت توان موشک های بالستیک ایران مشارکت دارند، باید در فهرست تحریم ها قرار گیرند. این امر نشان می دهد که ادبیات تحریمی جدیدی در سیاست های کنگره آمریکا در قبال ایران در حال شکل گیری است که در آن با «گفتمان نوین امنیت پیشگیرانه»، به دنبال بالا بردن اهرم فشار بر ایران در مذاکرات است (U.S. Congress, 2023).

### ۳-۱. مردمی سازی تهدید

تشدید جنگ روایت ها و نشر روایت های کاذب و انحرافی، بخشی از راهبرد کلان مردمی سازی تهدید است. دیپلماسی اجبار هنگامی موفقیت آمیز است که آستانه تاب آوری مردم و اقشار آسیب پذیر اقتصادی در برابر فشار حداکثری تحریم ها کاهش داده و تغییر رفتار حاکمیت و توافق با آمریکا به مطالبه بخشی از جامعه تبدیل شود. تمرکز جنگ روایت های کنگره آمریکا به سمت القای گزاره بار مالی بالای سیاست های هسته ای و منطقه ای ایران و تأثیر آن بر فقر عمومی، مصداقی از اهمیت مردمی سازی تهدید و موج سواری بر افکار عمومی داخل ایران برای همسو نمودن آنان با نظریه دیپلماسی اجبار و فرضیه اصلی تحقیق است.

### ۴-۱. ارائه امتیازات متقابل

در دیپلماسی اجبار در قبال تقاضای دولت تهدیدکننده، باید امتیازاتی به بازیگر هدف داده شود تا مطلوبیت اجرای آن برای بازیگر هدف افزایش یابد. امتیازات ارائه شده به بازیگر هدف نباید آنچنان



طولانی یا در قبال آن کارشکنی شود تا بازیگر هدف از تداوم اجرای درخواست دولت اجبارکننده منصرف شود. از طرفی، دولت اجبارکننده باید به کشور هدف، اطمینان بدهد که اجرای تعهدات توافق شده، به افزایش تقاضاها در آینده منتهی نمی‌شود (Bruce, 2006 : 59) حامیان فرضیه رقیب بر این باورند که دلیل اینکه در کارزار فشار حداکثری آمریکا، امتیازات قابل توجه و همتراز به ایران داده نخواهد شد، احتمال مصالحه پایین است و همسویی راهبرد دولت و کنگره آمریکا بر اساس دیپلماسی اجبار را قبول ندارند و استدلال می‌کنند فقدان امتیازات متقابل همتراز و ضمانت شده به ایران، نشانگر کم‌رنج بودن دیپلماسی اجبار در سیاست‌های آمریکاست.

## ۲-۵. استفاده توأمان از تهدید، عملیات روانی و تمایل به دیپلماسی

مرعوب سازی کشور هدف به اقدام نظامی در صورت شکست مذاکرات، مصداقی از ترکیب تهدید و گفتگو برای امتیازگیری حداکثری در مذاکرات است. تفاوت حامیان نظریه نومحافظه کاری مانند جان بولتون با حامیان دیپلماسی اجبار این است که نومحافظه کاران بیشتر از اهرم فشار حداکثری برای تغییر نظام سیاسی کشور هدف استفاده می‌کنند و راهبردی برای مذاکره ندارند ولی در نظریه دیپلماسی اجبار، تهدید در کنار تمایل به مذاکره از مفروضه‌های دیپلماسی اجبار است. گروه بازها برخلاف حامیان دیپلماسی اجبار بر استفاده از گروه‌های معاند و معارض به عنوان آلترناتیو جمهوری اسلامی تأکید دارند (مظاهری تهرانی، ۱۴۰۰: ۸۹).

ابتکار عمل در استفاده از فنون عملیات روانی و فریب، رمز موفقیت دیپلماسی اجبار است. بزرگنمایی کاستی‌ها و کوچک‌نمایی دستاوردهای کشور هدف، مصداقی از کاربست جنگ روایت‌ها علیه کشور هدف است. انتشار روایت‌های کاذب و امیدزدایی از نسل جوان، در کنار کوچک‌نمایی نقاط قوت و بزرگنمایی کاستی‌های کشور هدف، بخشی از عملیات روانی دیپلماسی اجبار برای کاهش سرمایه اجتماعی ایران در مذاکرات است. ارائه اخبار انحرافی از اهداف و ماهیت فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران یا تحریف واقعیت‌های مرتبط با بُرد و توان تخریبی موشک‌های بالستیک یا طرح مسائلی همچون «مطالعات ادعایی تسلیحانی شدن»، بخشی از زنجیره مرعوب‌سازی همسایگان و رقبای منطقه‌ای ایران هستند (شریعتی نیا، ۱۳۸۹: ۲۰۸ - ۱۹۱).

## ۲-۶. اطمینان یافتن بازیگر هدف به گزینه تغییر رفتار به جای تغییر نظام سیاسی



اگر لفاظی های نظامی بر تمایل به مذاکره چیرگی یابد، می تواند گزاره تغییر نظام سیاسی را در ذهن رهبران کشور هدف مستولی نماید که این امر با مقاومت حداکثری رو به رو خواهد شد، زیرا صیانت از یکپارچگی سیاسی از خطوط قرمز هر کشوری است. در این میان قانونگذاران نومحافظه کار و نزدیک به حزب لیکود اسرائیل، اقدام دونالد ترامپ برای تحریم بانک مرکزی ایران در سپتامبر ۲۰۱۹ و بحران ارزی و ناآرامی های سال ۱۳۹۷ را مصداقی بر آسیب پذیری اقتصاد و امنیت ایران در برابر فشار حداکثری برآورد می کنند (محمدی تهرانی و دیگران، ۱۴۰۳: ۵۸). به عبارتی دولت هدف باید به این یقین برسد که مقصود دولت یا دولت های اجبارکننده، فقط به «تغییر رفتار» منحصر شده است و آنان قصدی برای تغییر نظام سیاسی ندارند. برای مثال در شرایطی که وضعیت اقتصادی ناگوار عراق و اعمال شدید تحریم های یکجانبه آمریکا و تحریم های چندجانبه شورای امنیت سازمان ملل، می توانست زمینه موفقیت دیپلماسی اجبار را فراهم کند ولی در ذهن صدام، این انگاره نقش بسته بود که دولت آمریکا به دنبال تغییر نظام سیاسی حزب بعث است. به همین دلیل در برابر فشار تحریم ها مقاومت می کرد (Stimson Center, 2024).

## ۲. رفتار کاوی صدونوزدهمین کنگره آمریکا در قبال ایران

یکی از جلوه های قدرت نرم سیاست خارجی، تقویت توان پیش بینی پذیری تحرکات دشمن و مدیریت پیش رویدادی تهدیدات با هدف به حداقل رساندن هزینه های اداره کشور در افق قانون برنامه هفتم پیشرفت است. پایش رفتار و مصوبات کنگره صدونوزدهم (۲۰۲۶ - ۲۰۲۵) در قبال ایران، نشانگر پررنگ بودن شاخص های رفتاری زیر است:

### ۲-۱. استناددهی به قوانین جامع تحریمی در متن لوایح و روایت ها

حمایت کنگره آمریکا از تصویب قوانین جامع تحریمی، این فرصت را برای دولت ترامپ به وجود می آورد که در راستای دیپلماسی اجبار، نقش پلیس خوب را برای خود ایفا نماید. «سناتور بنجامین کاردین»<sup>۱</sup> رئیس سابق کمیته روابط خارجی مجلس سنا و از قانونگذاران یهودی نزدیک به لابی پارلمانی ایپک نیز، بر این باور است رمز موفقیت دیپلماسی پارلمانی اجبار، تداوم فشار حداکثری با انتفاع حداکثری از قوانین جامع تحریمی است (Cardin, 2021). در نتیجه کارزار فشار حداکثری کنگره آمریکا همچنان در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ تا تحقق اهداف آمریکا در مذاکرات مبتنی بر دیپلماسی

<sup>1</sup> Senator Benjamin Louis Cardin



اجبار تداوم خواهد یافت. تبیین مواضع رهبران کنگره و تحلیل محتوای قطعنامه‌ها و پیش نویس لوایح تحریمی کنگره جدید نشان می‌دهد که در دوره فعالیت کنگره صدونوزدهم ارجاع به قوانین جامع تحریمی به یک رویه رفتاری تبدیل شده است. از منظر برخی تحلیل‌گران، تحریم‌ها به منظور کاهش منابع در دسترس دولت هدف، کاهش دارایی عمومی و ایجاد حس محرومیت در جامعه هدف اعمال می‌شوند و عقیده بر این است که اگر مردم به اندازه کافی رنج ببرند، به دولت خود فشار خواهند آورد تا با تغییر رفتار موجب برچیده شدن تحریم‌ها شود (میرزایی، ۱۴۰۳: ۱۱۸). «قانون مقابله با دشمنان آمریکا به وسیله تحریم‌ها»<sup>۱</sup> معروف به کاتسا از مصادیق قوانین جامع تحریمی است که بخشی از جنگ ترکیبی و عملیات روانی آمریکا علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با استناد به این قانون اعمال می‌شوند. قانون کاتسا، تلفیقی از پیش نویس سه لایحه زیر بود (Govinfo, 2017):

- لایحه ممانعت و نوسازی تحریم‌های کره شمالی<sup>۲</sup>
- لایحه مقابله با فعالیت‌های بی‌ثبات ساز ایران<sup>۳</sup>
- لایحه مقابله با نفوذ روسیه در اروپا و اوراسیا ۲۰۱۷<sup>۴</sup>

## ۲-۲. پیرنگ بودن فعالیت لابی‌های اسرائیل

اغلب قانونگذاران حامی دیپلماسی پارلمانی اجبار علیه جمهوری اسلامی ایران به غیر از اشراف بر مباحث حقوقی و سیاسی، به حوزه لابی‌گری نیز اشراف دارند که نشانگر اهمیت بالای فنون لابی‌گری در عرصه دیپلماسی پارلمانی اجبار و تلاش برای انزوای ایران در مجامع بین‌المللی است. این طیف از قانونگذاران همچون «سناتور برنی مورنو» از طریق لابی‌گری با کانون‌های قدرت در دولت یا نامه‌نگاری با هم‌تایان خود در سایر کشورها، رویکرد انزوای ایران در مجامع بین‌المللی را در اولویت قرار داده‌اند و به نظر می‌رسد نقش آفرینی آنان در راهبرد دیپلماسی پارلمانی اجبار کنگره صدونوزدهم افزایش خواهد یافت.

رمزگشایی لوایح مطروحه مورد حمایت لابی‌های اسرائیل نشان می‌دهد که راهبرد دیپلماسی اجبار کنگره آمریکا در لایه‌های مختلف حکمرانی دنبال می‌شود و نقطه شروع آن بیشتر توسط قانونگذارانی کلید خورده است که خود یا والدین آنها یهودی بوده‌اند و گرایش بالایی به لابی‌های اسرائیل داشته

1. Countering America's Adversaries Through Sanctions (CATSA)

2. H.R.1644 Korean Interdiction and Modernization of Sanctions

3. S.722 Countering Iran's Destabilizing Activities Act of 2017

4. Countering Russian Influence in Europe and Eurasia Act of 2017



اند که از مصادیق آن می توان به «تام لانتوس» و «براد شرمن» اشاره کرد (Pew Research Center, 2023). برخی سناتورها نیز که سابقه فعالی در حمایت از لویح تحریمی علیه جمهوری اسلامی ایران داشته اند، پس از بازنشستگی یا شکست در انتخابات در لابی ها یا اندیشکده های حامی اسرائیل همچون بنیاد دفاع از دموکراسی ها، اندیشکده شورای آتلانتیک یا «ائتلاف علیه ایران هسته ای» مشغول فعالیت شده اند تا به عنوان یک لابیگر، به تقویت کارزار فشار حداکثری از طریق تریبون های مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی کمک نمایند. در لویح مطروحه و قطعنامه های پیشنهادی در کنگره صدونوزدهم بر سه نوع راستی آزمایی زیر تأکید شده است:

- راستی آزمایی صلح آمیز بودن فعالیت های هسته ای ایران؛
- راستی آزمایی مقاومت و اثبات عدم حمایت نظامی و مالی ایران از جریان های مقاومت به ویژه حوثی های یمن، حزب الله لبنان و حشدالشعبی عراق؛
- راستی آزمایی موشکی برای عدم کاربری نوع ساخت موشکی بالستیک قاره پیمای ایران برای حمل کلاهک های اتمی.

هر سه هدف فوق الذکر که توسط قانونگذاران و دولتمردان آمریکایی در مذاکرات تحت فشار مطرح می شوند در زمره مطالبات حزب لیکود اسرائیل است. لابی های اسرائیل به منظور اثرگذاری بر سیاست های کنگره آمریکا، از تمامی فنون لابی گری برای اثرگذاری بر رؤسای مجلسین، رؤسای کمیته های دائمی و رؤسای احزاب اکثریت و اقلیت کنگره استفاده می کنند. برای مثال «مایک جانسون»<sup>۱</sup> رئیس صدونوزدهمین مجلس نمایندگان آمریکا از حامیان اصلی اسرائیل در کنگره آمریکاست. او در زمره قانونگذارانی است که بلافاصله پس از عملیات طوفان الاقصی در هفتم اکتبر ۲۰۲۳، با صدور بیانیه ای خواستار همکاری نتگانتنگ آمریکا و اسرائیل برای مقابله با حماس شد (House Representative, 2023). «سناتور چاک شومر»<sup>۲</sup> نماینده مردم ایالت نیویورک و رهبر حزب اقلیت دموکرات در صدونوزدهمین مجلس سنا نیز در ۲۳ نوامبر ۱۹۵۰ نیز از خانواده ای یهودی تاجر پیشه به دنیا آمد. او در اجلاس های سالانه ایپیک همواره از تعهد مجلس سنا برای تحریم رهبران جبهه مقاومت اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تأکید نموده که به خوبی می توان نشانه ای آن را در سخنرانی او در اجلاس سالانه ایپیک در سال ۲۰۱۷ رهگیری نمود (Politico, 2024). در کمتر قطعنامه یا لایحه ای مشاهده می شود که

<sup>1</sup> Michael Johnson

<sup>2</sup> Sen. Chuck Schumer



قانونگذاران نزدیک به حزب لیکود پیشنهاد داده باشند ولی در آن کلیدواژگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سپاه قدس آورده نشده باشد که نشانگر رد پای لابی‌های اسرائیل در فرآیند تدوین پیش نویس قطعنامه‌ها و لوایح مرتبط با دیپلماسی پارلمانی اجبار است. برای مثال «هاوارد برمن» که ارتباط خوبی با لابی «شورای ملی دموکراتیک یهود» و لابی پژوهشی بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها داشت، از قانونگذاران پیشرو در حمایت از گسترش دیپلماسی پارلمانی اجبار علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. «لابحه جامع تحریم‌ها، مسؤلیت پذیری و محروم‌سازی ایران»<sup>۱</sup> معروف به سبسادا برای اولین بار در صد و یازدهمین مجلس نمایندگان توسط این قانونگذار مطرح شد. قانون سبسادا اولین قانونی بود که بر اساس شاخص‌های دیپلماسی پارلمانی اجبار پایه‌گذاری شد و بر اساس راهبرد فشار حداکثری، دستگاه‌ها و نهادهای مختلفی در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند (House Foreign Affairs Committee, 2011). تغییر ژئوپلیتیک مقاومت و کوچاندن اجباری فلسطینی‌ها، همچنان از طرف قانونگذاران نومحافظه‌کار کنگره دنبال خواهد شد. افزایش پیش‌نویس لوایح تحریمی علیه حماس، جهاد اسلامی فلسطین، حزب الله لبنان و سپاه قدس، مولود اثرگذاری بالای لابی اسرائیل در فرآیند دیپلماسی قانونگذاری ایالات متحده آمریکاست (McClintock, 2025). رمزگشایی از موارد فوق‌الذکر بیانگر تأثیرگذاری بالای لابی‌های اسرائیل بر جهت‌گیری سیاست‌های کنگره آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران است.

### ۲-۳. تقویت شرق‌هراسی در گفتمان قانونگذاران کنگره

برخی سناتورها همچون «سناتور میچ مک‌کانل»<sup>۲</sup> در راستای جنگ روایت‌ها مدعی‌اند که جمهوری اسلامی ایران، راهبرد «توازن تهدید» را در اولویت قرار داده است و متناسب با تعدیل ظرفیت غنی‌سازی، به همان میزان بر قدرت تخریب، سرعت، بُرد و دقت موشک‌های استراتژیک خود اضافه کرده است. به همین دلیل خواستار توجه توأمان هیأت‌های دیپلماتیک دولت و کنگره به هر دو موضوع برنامه‌های هسته‌ای و موشکی شده‌اند. این طیف از قانونگذاران، شرق‌هراسی را به عنوان بخشی از دیپلماسی پارلمانی اجبار در دستور کار قرار داده‌اند، به طوری که از جمهوری اسلامی ایران، چین و روسیه یا عنوان «محور شرارت نوین» نام می‌برند (LEGISTORM, 2024). محدودسازی بُرد و قدرت موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی ایران، از دیگر اهداف دیپلماسی پارلمانی اجبار است که توسط

<sup>1</sup> H.R.2194 - Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Divestment Act of 2010 (CISADA)

<sup>2</sup> Senator Mitchell McConnell



قانونگذاران نومحافظه کار کنگره از جمله «مایکل لاولر»<sup>۱</sup> دنبال می شود و بخشی از دیپلماسی پارلمانی اجبار آمریکا برای کمک به پنتاگون در جهت استقرار سامانه های موشکی آمریکا در کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس است که به خوبی می توان رگه های این سیاست را در «لایحه افزایش تحریم های ایران در ۲۰۲۵» مشاهده نمود (Lawler, 2025).

ایران هراسی کنگره صدونوزدهم برای بزرگنمایی و تحریف اخبار مرتبط با توان موشکی و پهپادی ایران، با سیاست های کلان دفاعی دولت ترامپ برای تقویت حضور نظامی در غرب آسیا با هزینه خود کشورهای منطقه همپوشانی دارد. به همین دلیل تحریم بخش های مرتبط با صنایع موشکی و پهپادی و قطعات و فن آوری های مرتبط همچنان به عنوان یکی از ابعاد سیاست های تحریمی کنگره آمریکا علیه کشورمان تداوم خواهد یافت. این رویه، در کنگره آمریکا و در مواضع «ادوارد ریس»، رئیس اسبق کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان نیز مسبوق به سابقه بوده است. او مدعی بود جمهوری اسلامی ایران تمرکز آمریکا و متحدانش را به سمت موضوع هسته ای معطوف نموده تا واشینگتن را از هدف اصلی و پنهان خود که پیشرفت موشک های راهبردی است، منحرف کند. به همین دلیل از حامیان بررسی مطالعات ادعایی تسلیحاتی شدن و گسترش بازرسی از تأسیسات موشکی در قالب توافقنامه های موقت است (Royce, 2017).

فقدان شفافیت، پولشویی نیابتی، بی ثبات سازی و فساد از کلیدواژگان جدیدی هستند که در جلسات استماع مرتبط با ایران به ندرت استفاده می شدند ولی در کنگره صدونوزدهم با گذار سیاست خارجی کنگره آمریکا به سمت دیپلماسی پارلمانی اجبار، استفاده از این واژه ها برای تحریف واقعیت و تشکیک شهروندان به ارزش های انقلاب و باورهای اعتقادی افزایش یافته اند.

انتقال شوک های اقتصادی و روانی به جمهوری اسلامی ایران، بخشی دیگر از عملیات روانی آمریکا برای تأثیرگذاری بر روندهای مذاکراتی است. در رویکرد کنگره صدونوزدهم، ایجاد و انتقال شوک های روانی به کشور در دو بخش نظام پولی و امنیت سرمایه گذاری مشهود است. در همین رابطه، دونالد ترامپ پیشینه ایجاد شوک های سیاسی و تبلیغاتی به جمهوری اسلامی ایران را دارد، که از مصادیق آن می توان به تصمیم او برای خروج از برجام و اعمال مجدد تحریم ها اشاره نمود (نعمت پور، ۱۴۰۲: ۱۳۲).

<sup>1</sup> Michael Lawler



«دیپلماسی پارلمانی رسانه ای»، از دیگر ابعاد عملیات روانی حامیان دیپلماسی پارلمانی اجبار است. دیپلماسی پارلمانی رسانه ای به مفهوم اعلام مواضع قانونگذاران شاخص کنگره در رسانه های مهم داخلی و خارجی با هدف همراه سازی افکار عمومی داخل و ایرانیان خارج از کشور با کارزار فشار حداکثری است. این موضوع در ادوار پیشین کنگره نیز مسبوق به سابقه بود.

#### ۲-۴. انتفاع مالی و تبلیغاتی از دیپلماسی پارلمانی قضایی

بخشی از کارزار فشار حداکثری کنگره صدونوزدهم، به سمت گشایش پرونده‌های جدید قضایی علیه ایران در دادگاه‌های امریکا برای اخذ غرامت از ایران معطوف شده است که از مصادیق آنی می توان به «لایحه اجرای عدالت برای گروگان‌های سابق امریکا در ایران»<sup>۱</sup> اشاره نمود. در این لایحه تصریح شده است که ایران باید بابت گروگان‌گیری کارکنان سفارت امریکا در ایران در فاصله زمانی سوم نوامبر ۱۹۷۹ تا بیستم ژانویه ۱۹۸۱ به کارکنان سفارت و خانواده‌های آنان غرامت پرداخت و به هریک از کارکنان برای هر روز گروگان‌گیری، مبلغ ۱۰ هزار دلار پرداخت کند (Warnock, 2024).

#### ۲-۵. دیپلماسی تقنینی پیش گیرانه

ادبیات جدیدی در راهبرد کنگره امریکا در قبال ایران در حال نهادینه شدن است که از آن با عنوان «دیپلماسی تقنینی پیش گیرانه» نام می‌برند. در این راهبرد با استفاده از فنون جنگ روایت ها، تحریم‌های پیش‌دستانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال می‌شود. برای مثال در متن پیش نویس لوایح تحریمی قانونگذاران کنگره، عبارت گروه های نیابتی ایران در عراق بسیار تکرار شده است. این رویکرد بخشی از راهبرد امریکا برای تشدید تحریم های حداکثری با ادعای تأمین امنیت شهروندان آمریکاست. به ویژه اینکه تا قبل از حمله صدام به کویت، نوع روابط حاکم بر ایران و عراق، جدا از عوامل جغرافیایی و تاریخی، از مداخلات قدرت های جهانی نیز تأثیر می پذیرفت (محمد فرج برهان و دیگران، ۱۴۰۳: ۲۰۰). به همین دلیل تضعیف نفوذ ایران در بین شبه نظامیان عراق، بخشی از دیپلماسی تقنینی امریکا برای کاهش قدرت نرم منطقه ای ایران است.

#### ۲-۶. فعال سازی ظرفیت های دیپلماسی پارلمانی نظارت پایه

حامیان دیپلماسی اجبار جدا از دیپلماسی قانونگذاری و دیپلماسی پارلمانی رسانه ای، از طریق ظرفیت های نظارتی نیز برای همراه سازی دولتمردان با دیپلماسی اجبار استفاده می کنند. این موضوع مسبوق

<sup>1</sup>. S. 868: Justice for Former American Hostages in Iran Act of 2015



به سابق نیز بوده است. برای مثال در «قانون مقابله با نفوذ ایران در آمریکای لاتین»<sup>۱</sup> مصوب ۲۸ دسامبر ۲۰۱۲، وزارت امور خارجه آمریکا مکلف شد ظرف ۱۸۰ روز طرحی راهبردی را برای آنچه که «حل مسئله حضور و گسترش فعالیت خصمانه ایران» در آمریکای لاتین خوانده شده بود، تدوین و به کمیته های مرتبط در مجالس نمایندگان و سنا ارائه کند. در بند اول بخش نهم «قانون مقابله با دشمنان آمریکا به وسیله تحریم ها» معروف به کاتسا نیز، رئیس جمهور آمریکا را مکلف کرده بود ۹۰ روز پس از تصویب لایحه (دوم نوامبر ۲۰۱۷)، گزارشی را در خصوص وضعیت توانمندی های موشکی ایران به کمیته های مرتبط در کنگره گزارش دهد. به نظر می رسد این رویه در کنگره صدونوزدهم نیز دنبال خواهد شد و حامیان کارزار فشار حداکثری در متن قوانین جامع تحریمی، به دنبال آن خواهند بود اهرم های نظارت کنگره بر هرگونه توافق احتمالی دولت ترامپ با جمهوری اسلامی ایران را تقویت کنند.

#### ۲-۷. برچیده شدن کامل تأسیسات هسته ای

طیفی از قانونگذاران کنگره صدونوزدهم از رویکرد سناتور رابرت منندز در مذاکرات دیپلماسی اجبارحمایت می کنند. سناتور رابرت منندز مدعی بود بیشترین امتیاز به ایران بایستی اعمال نشدن تحریم های بیشتر باشد و حذف تحریم های قبلی با ملاحظات امنیت ملی آمریکا همخوانی ندارد. او مدعی است تیم مذاکره کننده آمریکا در مذاکرات بایستی برچیدن کامل تأسیسات آب سنگین اراک، تأسیسات غنی سازی فوردو، برچیده شدن کامل سانتریفیوژها و شفاف سازی کامل ابعاد نظامی فعالیت های هسته ای ایران را به عنوان خطوط قرمز مذاکرات تعریف نماید.

#### ۳. راهبرد جمهوری اسلامی ایران

یکی از ملزومات سیاست خارجی موفق، رصد دقیق مواضع، المان ها و رفتارهای دولت و کنگره آمریکا و اتخاذ تدابیر لازم برای مدیریت عقلایی تهدیدات احتمالی است. به همین منظور توصیه می شود تدابیر و ابتکارات زیر مورد توجه قرار گیرند:

- بخشی از اظهارات ضدایرانی قانونگذاران کنگره، مولود تأثیر پذیری از اندیشکده ها و لابی های اسرائیل است که از کنشگران پنهان قدرت در ایالات متحده آمریکا شناخته می شوند، به همین دلیل ایجاد یا تقویت میز مطالعات اسرائیل در نهادهای دفاعی، امنیتی و سیاسی و ایجاد

<sup>1</sup>Countering Iranian Sway in Latin America



یک مرکز داده پردازی و اشتراک گذاری تبادل داده ها بین آنان می تواند در پیش بینی مواضع قانونگذاران سمپات رژیم صهیونیستی در کنگره مؤثر باشد.

- از مجموع ۵۳۵ قانونگذار کنگره، ۳۴ قانونگذار یهودی (دو سناتور مجلس سنا و ده قانونگذار مجلس نمایندگان) و برخی نیز دارای بستگان درجه اول یهودی اند. یکی از فنون عملیات روانی قانونگذاران نزدیک به لابی های اسرائیل، القای قریب الوقوع بودن گزینه نظامی است تا نهادهای ذی ربط و میزهای مطالعات آمریکا در جمهوری اسلامی ایران را دچار خطای محاسباتی نمایند. در نتیجه تفکیک بین رفتارهای مبتنی بر عملیات روانی و رفتارهای محتمل الوقوع از ملزومات جهاد تبیین و تقویت پدافند غیر عامل در حوزه سیاست خارجی است.
- تحلیل محتوایی لوایح مطروحه مرتبط با ایران، می تواند در شناسایی مسیر دیپلماسی اجبار کنگره آمریکا مؤثر باشد. البته هر ساله ده ها لایحه مرتبط با ایران به کمیته های دائمی کنگره ارجاع می شوند ولی فقط تعدادی از آنها به قانون تبدیل می شود، البته لوایحی که توسط سناتورهای کهنه کار و رؤسای کمیته های دائمی تهیه می شوند، از احتمال بالاتری برای تبدیل به قانون برخوردارند.
- در راهبرد تبدیل تهدیدات دیپلماسی اجبار به فرصت، اشراف دیپلمات ها به فنون و روش های لابی گری و عملیات روانی ضروری است. توصیه می شود در جلسات آموزشی برای نمایندگان جدیدالورود و هیأت های دیپلماتیک مجلس شورای اسلامی، همسو با دوره های آموزشی تقنینی و نظارتی، یک دوره آموزش «شیوه های لابی گری در عرصه دیپلماسی پارلمانی» نیز برگزار شود. این اقدام، توان چانه زنی هیأت های دیپلماتیک مجلس دوازدهم در مجامع پارلمانی را افزایش می دهد.
- تنوع، پیچیدگی و سرعت از ویژگی تهدیدات ترکیبی است، اهتمام مجلس به دریافت گزارش های نظارتی دستگاه های اجرایی در خصوص تهدیدات و فرصت های دیپلماسی اجبار، در انسجام بخشی به سیاست های راهبردی نظام در قبال ایالات متحده آمریکا مؤثر است.
- یکی از پیشران های مدیریت دیپلماسی اجبار، تقویت انسجام فکری و رویه ای در حوزه دیپلماسی عمومی است. توصیه می شود با تدوین سند راهبرد ملی دیپلماسی عمومی، راهبرد یکپارچه ای برای مقابله با ابعاد عملیات روانی دیپلماسی اجبار اتخاذ شود. با توجه به اینکه نهادها و دستگاه های مختلفی در حوزه دیپلماسی عمومی ذی نفع هستند، شورای عالی امنیت



ملی بهترین مرجع تدوین سند راهبرد ملی دیپلماسی عمومی با رویکرد تقویت امنیت متوازن و دفاع ترکیبی است.

- بخش قابل توجهی از دیپلماسی اجبار کنگره آمریکا به سمت تحریف واقعیت های مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ماهیت صلح آمیز فعالیت های هسته ای، بازدارندگی متعارف موشکی و پهپادی، شرایط اقتصادی، تحریف اخبار مرتبط با همکاری های ایران و روسیه و تداعی پایان مقاومت پس از فروپاشی رژیم بشار اسد متمرکز شده است. تقویت کرسی های جهاد تبیین در قوای سه گانه، نیروهای مسلح و نهادهای تحقیقاتی و دانشگاهی تا حدودی به اعتبارزدایی از روایت های کاذب کمک می کند.

- افزایش سهم فناوری های نوین همچون علوم هوش مصنوعی و شبیه سازی در آینده پژوهی سیاست خارجی، یکی از پیشران های دیپلماسی کارآمد است. دیپلماسی هوش مصنوعی بخش جدایی ناپذیر انقلاب دیجیتال است که به سرعت به ابزار دیپلمات های دنیا برای برآورد سیاست های بازیگر هدف تبدیل شده است (حسینی، ۱۴۰۲: ۳۲۵).

- در جلسات استماع مرتبط با ایران، کارشناسان و مدیران عالیرتبه دستگاه های اجرایی به ویژه وزارتخانه های دفاع، امور خارجه و خزانه داری ایالات متحده آمریکا، مهمترین روش های دیپلماسی اجبار را بررسی می کنند. به همین دلیل یکی از ملزومات مدیریت دیپلماسی اجبار، پایش مستمر جلسات استماع مرتبط با جمهوری اسلامی ایران است.

- داده کاوی منابع باز و پایش اظهارات ضدایرانی قانونگذاران کنگره در رسانه ها و شبکه های اجتماعی در کنار بررسی نظام مسائل اساسی و نوع درخواست آنان از مرکز خدمات پژوهشی کنگره، به شناسایی نقشه راه دیپلماسی پارلمانی اجبار آمریکا کمک می کند.

- یکی از روش های برآورد دیپلماسی پارلمانی اجبار آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران، تبیین مواضع قانونگذارانی است که نقش «حامی و ارائه کننده» لوایح تحریمی ضدایرانی را بر عهده دارند.

- بررسی مواضع سیاسی ویپ ها (ناظران حزبی)، رؤسای کنفرانس احزاب جمهوریخواه و دموکرات و مطالعه ابعاد جنگ روایت های رؤسای کمیته های سیاستگذاری حزب دموکرات و جمهوریخواه همسو با داده کاوی کلیدواژگان پرتکرار در پیش نویس لوایح مرتبط با ایران، از روش های مهم برآورد سیاست های آتی کنگره آمریکا هستند.



- متوازن سازی سیاست خارجی و اجتناب از شرق گرایی یا غرب گرایی مطلق در سبب سیاست خارجی، نقش مهمی را در مدیریت دیپلماسی اجبار ایفا می کند. به منظور تحقق سیاست خارجی متوازن و کارآمد، جمهوری اسلامی ایران لازم است با توجه به بند «۱۶» اصل سوم و اصول ۱۵۲ و ۱۵۴ قانون اساسی، از همه ابعاد و ظرفیت‌های دیپلماسی استفاده کند. متوازن سازی سیاست خارجی، مستلزم نهادسازی براساس اهداف، منافع، هویت، جغرافیا، فرهنگ و تهدید مشترک است (موسی زاده، ۱۳۹۴: ۱۴۵ - ۱۱۱).

### نتیجه گیری

یافته های تحقیق بیانگر اثبات فرضیه اصلی و پررنگ شدن عناصر جنگ ترکیبی در راهبرد کنگره آمریکا برای تأثیرگذاری حداکثری بر روند مذاکرات است. اعمال نظام راستی آزمایی سخت گیرانه، اعمال محدودیت‌های موشکی، دائمی نمودن محدودیت‌های غنی سازی، برچیدن تأسیسات اتمی، خنثی سازی جریان های مقاومت، احیای توافق نامه ابراهیم و بازنمایی نظم نوین در غرب آسیا اهداف مطلوب آمریکا در روند مذاکرات دیپلماسی اجبار محسوب می شوند که البته تحقق تمامی این اهداف به دلیل تضاد با منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران امکانپذیر نیست.

انزوای ایران در مجامع بین المللی، تصویب قوانین جامع تحریمی و القای قریب الوقوع تهاجم نظامی در صورت شکست مذاکرات، از مهمترین ابزار پیاده سازی دیپلماسی اجبار هستند که جمهوریخواهان از آن با عنوان اعمال قدرت برای صلح نام می برند. حامیان فرضیه اصلی بر این باورند فشار حداکثری تحریم ها، کسری بودجه و حذف فرماندهان مقاومت در کنار ناترازی بودجه و انرژی، بستر مساعدی را برای اجرایی شدن فرضیه اصلی تحقیق به وجود آورده و در نهایت ایران را به سمت تغییر رفتار متمایل می سازد. در این میان، دریافت تضمین های متقن برای حذف و عدم بازگشت تحریم ها، آزاد شدن درآمدهای بلوکه شده ایران، محدود شدن مذاکرات به موضوع هسته ای و اجرایی نشدن مکانیسم ماشه از مهمترین اهداف ایران در مذاکرات است و هر یک از طرفین مذاکرات به دنبال تحقق حداکثری منافع مطلوب خود خواهد بود، به همین دلیل دیپلماسی اجبار هر چند در ظاهر حالت تهدید مطلق را دارد ولی از این ویژگی برخوردار است که با عقلانیت راهبردی، پایداری منطقی و ایجاد اهرم های چانه زنی در مذاکرات، بتوان برخی تهدیدات را به فرصت تبدیل نمود.



- اسدی، ناصر (۱۳۹۰)، دیپلماسی اجبار (بررسی مقایسه‌ای سیاست ایالات متحده در قبال عراق، لیبی و ایران)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- اسلامی، محسن و فرزانه نقدی (۱۳۹۵). «ابزار تحریم و سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره چهارم.
- براین نایگر (۱۴۰۲). عصر هیبریدی: امنیت بین‌المللی در دوران جنگ ترکیبی، ترجمه محمد حسین قربانی زواره، مرکز مطالعات راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- حسینی، سید امیر و سید علیرضا هاشمی زاده (۱۴۰۲). «هوش مصنوعی و صلح و امنیت بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره سیزدهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۴۹.
- دلورپوراقدم، مصطفی و سید جلال دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۶). «دیپلماسی تقنینی کنگره آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران (بررسی موردی تحریم‌ها)»، فصلنامه علمی - پژوهشی مجلس و راهبرد، سال بیست و پنجم، شماره ۹۶.
- دلورپوراقدم، مصطفی و سید جلال دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۷). «دیپلماسی نومحافظه کاران کنگره آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۶ - ۲۰۰۹)»، فصلنامه علمی - پژوهشی جهان اسلام، جلد هفتم، شماره یک.
- دلورپوراقدم، مصطفی (۱۳۹۶). فرصت‌ها و چالش‌های پس‌برجام، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- رحمت حاجی مینه و محمد عابدی (۱۳۹۹). پارلماسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره دوازدهم، ش ۲.
- رحیمی، رئوف (۱۴۰۳). «تحلیل راهبرد مهابار آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر دوره بایدن»، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست، دوره ۵۴، شماره دو، شماره ۲۳۹.
- شریعتی نیا، محسن (۱۳۸۹). «ایران هراسی: دلایل و پیامدها»، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال دوم، شماره ششم.
- شیرخانی، محمد علی و سید مصطفی حسینی پور (۱۳۹۹). اقتصاد رانتیر و نظام تحریم‌های هوشمند: مطالعه موردی ج.ا. ایران، فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۲، شماره ۲، صص ۲۴۴ - ۲۱۷.
- ظریف، محمد جواد (۱۳۹۱). دیپلماسی چندجانبه، تهران: نشر وزارت امور خارجه.
- محمد فرج برهان و دیگران (۱۴۰۳). «تأثیر سیاست آمریکا بر روابط عراق و ایران (۱۹۶۸ - ۱۹۵۳)»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره چهاردهم، شماره ۲.
- محمدی تهرانی، محمد صالح (۱۴۰۳). «ارزایی تأثیر تحریم‌های مالی پس از خروج آمریکا از برجام بر اقتصاد و سیاست‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره چهاردهم، شماره ۲.
- مظاهری تهرانی، محمد هادی و دیگران (۱۴۰۰). سیاست‌های ایالات متحده آمریکا در بحران‌های سیاسی ایران معاصر.
- موسی زاده، رضا و بهنام خسروی (۱۳۹۴). «بریکس و نهادسازی بین‌المللی»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴، صص ۱۴۵ - ۱۱۱.



- میرزایی، امین و دیگران (۱۴۰۳). «کالبد شکافی برجام در روابط اتحادیه اروپا و ایران با تأکید بر نقش تروئیکای اروپایی»، فصلنامه پژوهش روابط بین الملل، دوره چهاردهم، شماره ۱.
- نعمت پور، علی و آرش رئیسی نژاد (۱۴۰۲). «آمریکای در حال دگرگونی: روندهای داخلی و چرخش در سیاست خارجی»، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره سیزدهم، شماره سوم، شماره پیاپی ۵۰.
- نفیو، ریچارد (۱۳۹۷). هنر تحریم ها، تهران: معاونت پژوهش های اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- Alexander, George (1992). Forceful Persuasion: Coercive Diplomacy as an Alternative to War. Washington: Endowment of the United States Institute of Peace.
- Bruce, Jentleson (2016). Coercive Diplomacy: Scope and Limits in the Contemporary World. Muscatine: The Stanley Foundation.
- Cardin, Benjamin (2021). Maximum Pressure Campaign, Available at: <https://allisrael.com/a-top-senate-democrat-just-urged-biden-to-return-to-maximum-pressure-campaign-against-iran-will-other-democrats-follow>, Accessed on: 19/01/2025
- Foreign Affairs Ministry of China (2023). America's Coercive Diplomacy and Its Harm, Available at: [https://www.mfa.gov.cn/eng/xw/wjbxw/202405/t20240530\\_11343447.html](https://www.mfa.gov.cn/eng/xw/wjbxw/202405/t20240530_11343447.html), Accessed on: 02/03/2025.
- Franco, Chiara (2015). Coercive Diplomacy, Sanction and International Laws, Institute Affair International.
- Govinfo (2017). Public Law 115 - 44 - Countering America's Adversaries Through Sanctions Act, Available at: <https://www.govinfo.gov/app/details/PLAW-115publ44>, Accessed on: 05/02/2024.
- Helms, Jesse (1999). "What Sanctions Epidemic", Washington: Foreign Affairs Quarterly. Vol.4. No.5.
- House Foreign Affairs Committee (2011). Pressure on Iran, available at: <https://democrats-foreignaffairs.house.gov/2011/12/congressman-howard-berman-calls-increased-pressure-iran>, Accessed on: 19/05/2024.
- House Representative (2023). Speaker Johnson on Anniversary of October 7 Attacks: America Stands with Israel, available at: <https://mikejohnson.house.gov/news/documentsingle.aspx?DocumentID=1463>, Accessed on 12/01/2025.
- Lawler, Michael (2025). H.R.1422 - Enhanced Iran Sanctions Act of 2025, Available at: <https://www.congress.gov/bill/119th-congress/house-bill/1422/text>, Accessed on: 06/04/2025.
- LEGISTORM (2024). McConnell Calls for Senate Consideration of Iran Sanctions Legislation, Available at: [https://www.legistorm.com/stormfeed/view\\_rss/511098/member/70/title/mcconnell-calls-for-senate-consideration-of-iran-sanctions-legislation.html](https://www.legistorm.com/stormfeed/view_rss/511098/member/70/title/mcconnell-calls-for-senate-consideration-of-iran-sanctions-legislation.html), Accessed on: 24/03/2025.
- Norton, Richard (2004). The United States and Coercive Diplomacy, Naval War College Review, Volume 57.



- OFAC (2015). Iran Sanction Extension Act 2026, available at: <https://sanctionsnews.bakermckenzie.com/iran-sanctions-act-extended-for-ten-years-u-s-treasury-department-updates-iran-frequently-asked-questions-and-issues-general-license-j-1/> Accessed on: 25/09/2024.
- Pew Research Center (2023). The religious composition of the 118th Congress, Available at: <https://www.pewresearch.org/religion/2023/01/03/faith-on-the-hill-2023/> Accessed on: 25/06/2024.
- Politico (2024). Schumer's Israel rebuke leaves AIPAC in a delicate position, Available at: <https://www.politico.com/news/2024/03/15/schumer-israel-rebuke-aipac-00147430>, Accessed on: 04/09/2024.
- S.RES.65 : A resolution strongly supporting the full implementation of United States and international sanctions on Iran and urging the President to continue to strengthen enforcement of sanctions legislation.
- Stimson Center (2019). U.S. Coercive Diplomacy in Iran and Iraq, available at: <https://www.stimson.org/event/us-coercive-diplomacy-in-iran-and-iraq-a-conversation-with-ken-pollack/> Available at: 05/01/2025.
- Royce, Edward (2017). The Iran Ballistic Missiles and International Sanctions Enforcement Act (H.R. 1698), available at: <https://niacouncil.org/memo-the-iran-ballistic-missiles-and-international-sanctions-enforcement-act-h-r-1698/#!>, Accessed on: 04/04/2025.
- McClintock, Tom (2025). H.R.176 - No Immigration Benefits for Hamas Terrorists Act of 2025, Available at: <https://www.congress.gov/bill/119th-congress/house-bill/176/cosponsors>, Accessed on: 28/04/2025.
- Warnock, Rafael (2024). Justice for Former American Hostages in Iran Act of 2024, Available at: [https://www.warnock.senate.gov/wp-content/uploads/2024/01/Justice-for-Former-American-Hostages-in-Iran-Act-of-2024-One-Pager\\_FINAL3.pdf](https://www.warnock.senate.gov/wp-content/uploads/2024/01/Justice-for-Former-American-Hostages-in-Iran-Act-of-2024-One-Pager_FINAL3.pdf), Accessed on: 12/11/2024.